

اعتراضات خیابانی در بربریت سرمایه داری و مواضع انترناسیونالیستی



صدای انترناسیونالیستی

E-mail: internationalist.voice@gmail.com

Homepage: www.internationalist.tk

موجی از اعتراضات خیابانی که به تاریخ ۷ دی ماه از شهر مشهد شروع شد، به سرعت خود را به سراسر کشور گسترش داد. خشم نهفته زبانه کشید و هزاران هم سرنوشتی را در کنار هم قرار داد و اعتراضات به رود خروشان تبدیل شد. سرکوب لجام گسیخته دولت پلیسی نتوانست جلو اعتراضات را بگیرد بلکه موجب گسترش آن به دیگر شهرها شد. امواج این زلزله سیاسی شمال تا جنوب، غرب تا شرق را در هم نوردید و فضای سیاسی زیر پای اعتراضات به لرزه در آمد. شورش گرسنگان، ستم دیدگان، لگد مال شدگان جامعه و شنیدن فریادهای «مرگ بر خامنه ای» آنها که قدرت خدائی بر خود قائل است، انسان را به وجد می آورد. پائین کشیدن و سوزاندن عکس های خامنه ای چقدر زیباست است. اعتراض جمعی به این دنیای وارونه و خواستن دنیای دیگر قطعاً بسیار با شکوه است. هنوز آمار دقیقی از کشته ها، زخمی ها و دستگیر شدگان در دست نیست ولی حداقل ۱۰ نفر کشته شده و حداقل چهار صد نفر دستگیر شده اند. طبق اطلاعیه وزارت کشور بیش از ۹۰ درصد دستگیر شدگان جوان هستند و میانگین سنی آنها زیر ۲۵ سال است.

این اعتراضات از عواقب بحران سرمایه داری است. واقعیت این است که سرمایه داری در یکی از عمیق ترین بحران های تاریخی خود فرو رفته است و بار این بحران را طبقه کارگر جهانی پرداخت می کند. سطح استاندارد زندگی طبقه کارگر، در سراسر جهان، مورد حمله روزانه بورژوازی قرار گرفته است. ولی مسئله حائز اهمیت این است که عواقب بحران در کشورهای پیرامونی سرمایه نقشی مخرب تر از کشورهای متروپل ایفا می کند. فقر، گرانی لجام گسیخته، بیکاری تعمیم یافته، اختلاسه های نجومی، مشکلات زیست محیطی و آلودگی هوا، در یک کلام سقوط استانداردهای زندگی، یک جهنم واقعی و زمینی برای اکثریت اعضای جامعه بوجود آورده است. در مقابل اقلیت ناچیزی بشکل انگلی و با زندگی افسانه ای و اشرافی خود یک بهشت زمینی از حاصل دسترنج طبقه کارگر برای خود درست کرده اند.

تظاهرات مشهد در اعتراض به گرانی و تورم لجام گسیخته با حضور عده ای از مال باختگان موسسه های مالی و اعتباری شروع شد که به فساد گسترده اعتراض داشتند. این اعتراض در روند خود به تهران، کرج، کرمانشاه، رشت، اصفهان و ... گسترش یافت. گمانه زنی هایی در جریان است که امام جمعه مشهد، احمد علم الهدی به همراه ابراهیم رئیسی، تولید آستان قدس رضوی که رقیب روحانی در انتخابات ریاست جمهوری بود، ترتیب تجمع هدایت شده را داده بودند تا بشکل کنترل شده دولت روحانی را زیر سوال ببرند، اما تجمع از کنترل آنها خارج می شود و روند اعتراضی بخود میگیرد و به دیگر شهرها سرایت می کند.

در این زمینه اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس جمهوری، جناح اصول گرا را به دست داشتن در سازماندهی اعتراضات متهم کرد و در این رابطه چنین اظهار داشت: "مسائل اقتصادی بهانه برخی مسائل شده است. در پشت پرده مسائل دیگری مطرح است. کسانی که بانی برخی اقدامات علیه دولت شده اند، بدانند دود اقدامات آنها به چشم خودشان می رود. وقتی حرکت سیاسی در خیابان شروع می شود، دیگران بر آن سوار می شوند و کسانی که آن حرکت را شروع کردند، پایان دهنده آن نیستند." [۱]

در همین رابطه برخی رسانه های ایران به نقل از غلامحسین کرباسچی، نزدیک به دولت روحانی نوشتند که اما جمعه مشهد بخاطر نقش «اقدام پشت پرده او در تجمعات خیابانی مشهد» به شورای

عالی امنیت ملی احضار شده و علی شمخانی دبیر شورای امنیت ملی به او تذکر تنیدی داده است. اما علم‌الهدی ضمن رد این مسئله، اظهار داشته اگر کرباسچی عذرخواهی نکند او را تعقیب قضائی خواهد کرد. [۲]

بورژوازی اسلامی از یک سو به سرکوب اعتراضات می پردازد، کانالهای ارتباطات اجتماعی و اینترنت را محدود میکند تا مانع گسترش اعتراضات بشود و از سوی دیگر سعی دارد اعتراضات شکل قانونی و دولتی بخود بگیرند، تا خشم نهفته معترضین تخلیه گردد در این رابطه عبدالرضا رحمانی فضل‌ی، وزیر کشور اظهار داشته است که "اگر معترضان قصد تجمع دارند باید درخواست مجوز بدهند تا درخواستشان در وزارت کشور و استانداری‌ها بررسی شود." [۳] همچنین نماینده مجلس جعفرزاده ایمن‌آبادی اظهار داشته که "پیام تجمعات مردم دریافت شده و مجلس برنامه‌ای برای افزایش قیمت حامل‌های انرژی ندارد."

طبق پژوهش‌های همان مجلس سرمایه شاخص فقر در سالهای اخیر روند صعودی داشته است، قدرت خرید بشدت کاهش یافته و با سقوط چشمگیر استانداردهای زندگی روبرو بودیم. ایدئولوگها و اساتید دانشگاه سرمایه قبلا به دولت سرمایه در مورد شورش پابرهنگان هشدار داده بودند، در این زمینه محسن رنانی استاد دانشگاه همان بورژوازی اسلامی دو سال قبل چنین گفته بود: «اگر میلیون‌ها بیکار، حاشیه نشین و فقیر دست به اعتراض بزنند و شورش پابرهنگان شکل بگیرد آنان دیگر نه مذاکره پذیرند و نه رهبری پذیر. آنها هدف روشنی نخواهند داشت؛ فقط وضع موجود را نمی‌خواهند». [۴]

اعتراضات نسل جوان، بخصوص لشکر بیکاران که حتی برایشان شانس و فرصت وارد شدن به سیستم بردگی مزدی سرمایه داری داده نشده است، بیانگر این است که نسل جوان از این مسئله آگاه است که در این دنیای وارونه سرمایه داری هیچ آینده‌ای ندارند. در همان زمان، شرکت دانشجویان در این اعتراضات بیانگر این است که دانشجویان خودشان را پروتئرها‌های آینده می‌بینند و به استثمار آینده خود اعتراض می‌کنند. نرخ بیکاری در میان فارغ‌التحصیلان دانشگاهی ۳۰ درصد است. [۵]

برای طبقه کارگر، کمونیستها و انترناسیونالیستها تنها سرازیر شدن به خیابانها و فریاد «مرگ بر خامنه‌ای» کافی نیست. طبقه کارگر نه دنباله رو حوادث اجتماعی بلکه باید پیشرو حوادث اجتماعی باشد. شعار «مرگ بر خامنه‌ای» تکرار همان شعار «مرگ بر شاه» است. وظیفه انترناسیونالیستها دخالت فعال در مبارزه طبقاتی از طریق تجزیه و تحلیل شرایط و ارائه جهت‌گیری شفاف سیاسی به پرولتاریا است. اعتراضات جاری اگر چه بیانگر شورش گرسنگان است ولی متاثر از روح و تفکر دمکراتیک و ناسیونالیستی نیز هست.

تمامی گرایش‌های سیاسی سرمایه از راست تا چپ، از سلطنت طلبان تا چپ‌های کلام رادیکال (کمونیستهای کارگری)، از جریان‌های ناسیونالیست و قوم پرست تا مجاهدین، پیشروی جنبش مردم را اعلام می‌کنند، هدف همگی شان نیز یکی است. سیاهی لشکر شدن طبقه کارگر در جنبشهای مردمی و تکرار حوادث سال ۱۳۵۷. چیزی که حتی اگر طبق خواسته‌های آنها پیش رود، تنها به تغییر رژیم در چهار چوب نظام سرمایه منجر خواهد شد. هر یک از آنها خودشان را نیز بعنوان تنها آلترناتیو برای جانشینی جمهوری اسلامی معرفی می‌کنند. چپ سرمایه به شکل مشمنزکننده‌ای

شعارهای ارتجاعی را از بیانیه های تهییجی خود حذف می کند. ناسیونالیستها، مجاهدین و سلطنت طلبها نیز می خواهند نقش بدیل مناسب را برای قدرتهای امپریالیستی غرب و عربی در تنش های امپریالیستی ایفا کنند. برخلاف هذیان گوئیهای سیاسی چپ سرمایه در سال ۱۳۵۷ که از مرتجعی چون خمینی، امام مدافع ستمدیدگان ساختند و روحانیت را ضد امپریالیست کردند. آری در همان بهمن ماه انترناسیونالیستها اعلام کردند خمینی مترقی تر از ملکه انگلستان و یا امپراطور اول بوکاسا نیست. آری در همان بهمن ماه انترناسیونالیستها اعلام کردند پرولتاریا باید استقلال طبقاتی خودش را حفظ کند و نباید خودش را در جنبشهای مردمی حل کند. آری در همان بهمن ماه انترناسیونالیستها اعلام کردند تنها انقلاب در دستور کار چه در کشورهای پیرامونی سرمایه منجمله ایران و چه در کشورهای متروپل انقلاب کمونیستی است. [۶]

در این اعتراضات طبقه کارگر بعنوان یک طبقه اجتماعی فقط نظاره گر است و کارگران اتمیزه شده و بخصوص لشکر بیکاران شرکت کرده اند. اگر شرایط مادی برای اعتراضات اجتماعی مهیا باشد ولی معترضان برای اعتراض خود افق یا دورنمایی نداشته باشند، جامعه منفجر خواهد شد و این اعتراضات بیشتر به شکل طغیان ها، عصیان ها و یا حتی قیام ها شکل خواهند گرفت. ماهیت هر جنبش اعتراضی را نیروی تشکیل دهنده آن جنبش، خواستها و اهداف آن جنبش تعیین می کند. لذا برای بررسی اعتراضات ابتدا به شعارهای مطرح شده نظری می افکنیم. شعارهای مطرح شده را میتوان به سه دسته، دسته بندی کرد:

شعارهای سلطنت طلبانه:

- ایران که شاه ندارد، حساب کتاب ندارد
- رضا شاه، روح شاد
- شاهنشاه، روح شاد
- چه اشتباهی کردیم که انقلاب کردیم
- ای شاه ایران، برگرد به ایران

شعارهای ناسیونالیستی:

- سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن
- نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران
- استقلال، آزادی، جمهوری ایرانی
- ما آریائی هستیم، عرب نمی پرستیم

شعارهای ضد استبدادی:

- مرگ بر دیکتاتور
- مرگ بر روحانی
- مرگ بر خامنه ای
- رفراندم، رفراندم این است شعار مردم
- اصلاح گرا، اصول گرا، دیگه تمومه ماجرا

مطرح شدن شعارهای سلطنت طلبانه بیانگر آن است، انسانها به چنان درجه ای از بی افقی رسیده اند که از سر استیصال آرزوی رژیم سلطنتی را می کنند، چنین شعارهایی از سوئی بیانگر خواست ارتجاعی چنین انسانهای معترضی است و از سوی دیگر بیانگر جنب و جوش محافل ارتجاعی سلطنت طلب بخصوص پس از روی کار آمدن ترامپ است.

شعارهای ناسیونالیستی نیز خواستی ارتجاعی است، «شعار نه غزه، نه لبنان، جانم فدای ایران» قادر از درک این نیست که بورژوازی ایران در راستای منافع امپریالیستی ایران و در راستای گسترش مناطق تحت نفوذ خود است که در غزه، لبنان، عراق، یمن و غیره دخالت امپریالیستی میکند. تصور کن این شعار را به آمریکا تعمیم دهیم و شخصی در نیویورک فریاد زند، نه افغانستان، نه عراق، نه کره، نه اسرائیل، نه ... جانم فدای آمریکا. تنها و تنها در نابودی نظام سرمایه داری است که منافع امپریالیستی مفهوم خود را از دست میدهد.

کسانی که حدود چهل سال پیش با فریاد «مرگ بر شاه» رژیم سلطنتی را به زباله دان تاریخ سپردند، فراموش نکرده اند که استدلال می شد، هیچ رژیمی دیکتاتور تر از رژیم شاه نخواهد بود. این تجربه در حافظه تاریخی مردم ایران است. شعار «مرگ بر خامنه ای» اگر خواهد فراتر از بیان خشم باشد، باید یک «زنده باد» بدنبال خودش داشته باشد. «مرگ بر خامنه ای» تنها زمانی میتواند الهام بخش باشد که خواسته های طبقاتی کارگران را بدنبال خود بکشد، به عبارت بهتر شعارهایی که نظام طبقاتی را نشانه گیری کند. دمکراسی بورژوائی روی دیگر همان سکه دیکتاتوری بورژوائی است لذا شعارهای ما باید علیه بردگی مزدی، استثمار، بیکاری و تورم باشد و هدف ما باید برای نابودی کل سیستم سرمایه داری نشانه گیری شود!

سرمایه داری منشأ تمامی نابسامانی ها و بدبختی ها در سراسر جهان است. منافع ما در این نیست که فقط طبقه حاکم را عوض کنیم بلکه در مبارزه طبقاتی است. طبقه کارگر در شرایط بسیار سختی بسر میبرد، برای بقای فیزیکی خود دست و پنجه نرم میکند. استاندارد زندگی طبقه کارگر و شرایط اجتماعی این طبقه نه تنها بهبود نیافته بلکه بدتر نیز شده است. امروزه اگر چه مبارزه طبقاتی در حالت تدافعی است با این حال طبقه کارگر اگر نخواهد سیاهی لشکر جنبش های مردمی شود باید ابتکار عمل را بدست بگیرد و مهر خودش را بر حوادث تاریخی بزند. طبقه کارگر باید جوانان، بیکاران، دانشجویان و دیگر لایه های جامعه را با خود همراه سازد و نه بر عکس آن، طبقه کارگر بدون جنبش دمکراسی خواهی کشیده شود.

تمامی نگاهها، تمامی امیدها به غول خفته است. اگر غول خفته بیدار نشود، اگر اعتراضات مسیر مستقل طبقاتی را در پیش نگیرد، اگر طبقه کارگر کمیتة های محلات، کارخانه، اعتصاب، مبارزه و دیگر نهادهای مستقل خود را ایجاد نکند، اگر طبقه کارگر مبارزه را از خیابانها به محلهای کار در تمامی بخشها گسترش ندهد، طبقه کارگر به شکل اتمیزه به سیاهی لشکر جنبش دمکراسی خواهی تبدیل خواهد شد. کشیده شدن طبقه کارگر بدون جنبش دمکراسی خواهی و سیاهی لشکر شدن در جنبش دمکراسی خواهی، طبقه کارگر را تضعیف و ناتوان خواهد کرد.

شعار ما باید علیه بردگی مزدی، استثمار، بیکاری و غیره باشد، به عبارت بهتر نظام سرمایه داری را جهت گیری کند. ما فقط باید بخاطر منافع طبقاتی مان بجنگیم. سرمایه داری منشأ تمامی

نابسامانی ها و بدبختی ها در سراسر جهان است. مبارزه طبقاتی در روند تکاملی خود بخاطر ماهیت ضد سرمایه داری آن، نه تنها به دیگر کشورهای سرمایه داری سرایت خواهد کرد بلکه دولت سرمایه را نیز به چالش خواهد کشید. منافع ما در این نیست که فقط طبقه حاکم را عوض کنیم مثل چیزی که در سال ۱۳۵۷ اتفاق افتاد بلکه در مبارزه طبقاتی است و هدف ما باید برای نابودی کل سیستم سرمایه داری نشانه گیری شود. طبقه ما تنها طبقه اجتماعی است که می تواند به بربریت و وحشیگری سرمایه داری پایان دهد. این تنها از یک افق انترناسیونالیستی امکان پذیر است. ما چیزی برای از دست دادن نداریم جز زنجیرهایمان و جهانی که بدست می آوریم!

مرگ پر سرمایه داری! زنده باد مبارزه طبقاتی!

صدای انترناسیونالیستی

۱۱ دی ۱۳۹۶

یادداشت ها:

[۱] <http://www.alef.ir/news/3961008105.html>

[۲] <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/10/10/1616321> / اقدام قضایی - دفتر آیت الله علم الهدی - علیه -

کر باسجی - در صورت عدم عذر خواهی

[۳] <https://kalemeh.tv/?q=fa/news/1396/10/13520>

[۴] <http://www.kaleme.com/1394/11/13/klm-236475>

[۵] <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/09/14/1592475> / نرخ بیکاری - تحصیل کرده ها - ۳۰ درصد شد

[۶] تحولات سال ۵۷ ، نگاهی به موضعگیریهای چپ دستگاه سیاسی سرمایه و انترناسیونالیستها